

فراروش پژوهش‌های مرتبط با عدالت فضایی در ایران با مقیاس شهری در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴

نینا الوندی پور^۱، *هاشم داداش‌پور^۲

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

۲. دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۵

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۷

Meta-research Methods Related to Urban Spatial Justice in Iran in the Period of 2005- 2015

Nina Alvandipour¹, *Hashem Dadashpour²

1. Ph.D. Candidate, Urban and Regional Planning Department, Tarbiat Modares University, Iran.
2. Associate Professor, Urban and Regional Planning Department, Tarbiat Modares University, Iran.

Received: 27/04/2017

Accepted: 17/10/2017

Abstract

In this paper, we have tried to use the combination research project and the research strategy to assess the pathology of the methodology components of research related to spatial justice in Iran and to interpret the results of them. The statistical population of the study consists of 44 research articles focused on the subject of spatial justice in the period of 2005- 2015. They were selected through a total sampling method and analyzed separately for coding and breakdown. Following the selected studies, there are some methodological ambiguities, low quality of most studies and obvious results of the research. According to the findings of this research, the mainstrim of study in this area includes quantitative articles with survey strategy, indexing methods, and using descriptive statistics of basic statistics and correlation analysis.

Keywords

Combined research, Spatial justice, Outright coding, Urban Scale, Iran.

چکیده

در این مقاله کوشش شده است با استفاده از طرح پژوهش ترکیبی و راهبرد پژوهشی فراروش به ارزیابی و آسیب‌شناسی وضعیت مؤلفه‌های روش‌شناسی پژوهش‌های انجام شده مرتبط با عدالت فضایی در ایران و تلفیق تفسیری نتایج آن‌ها پرداخته شود. جامعه مورد مطالعه ۴۴ مقاله علمی- پژوهشی با محوریت موضوعی عدالت فضایی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۴، بودند. ابتدا پژوهش‌ها به صورت جداگانه کدگذاری، تجزیه و تحلیل شده‌اند. فراروش مطالعات منتخب حاکی از وجود ابهامات روش‌شناسی، پایین بودن کیفیت اغلب مطالعات و اخذ نتایج بدیهی از انجام پژوهش است. طبق یافته‌های پژوهش، جریان اصلی مطالعاتی در این حوزه را مقاله‌های کمی با راهبرد پیمایشی، روش‌های شاخص ساز و با بهره‌گیری از تحلیل‌های توصیفی آمار پایه و تحلیل همبستگی تشکیل داده‌اند.

واژگان کلیدی

پژوهش ترکیبی، عدالت فضایی، فراروش، مقیاس شهری، ایران.

مقدمه

انجام یافته و مرتبط ساختن نتایج پراکنده با یکدیگر می‌تواند در ابعاد مختلف به حل مسئله کمک کند. از سوی دیگر نتایج این‌گونه پژوهش‌ها به‌ویژه آگاهی از نقاط ضعف روش‌شناسی موجود در آن‌ها در نظام آموزشی و پژوهشی قابل‌استفاده و تعیین‌کننده است.

پرسش اصلی این پژوهش چیستی و چگونه چارچوب روش‌شناسی و دستاوردهای علمی پژوهش‌های انجام یافته می‌باشد. بدیهی است یکی از مهم‌ترین نتایج این‌گونه پژوهش‌ها گشوده شدن دریچه گفتگوی روش‌شناختی در حوزه عدالت فضایی می‌باشد تا بتواند مهیا کننده بستر مطالعات به سمت حوزه‌های بومی عدالت فضایی در ایران باشد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر در دو بخش ارائه شده است. در بخش اول بر اساس رویکرد روش‌شناختی به کالبد شکافی مقاله‌ها و ارزیابی عناصر بنیادین ساختار پژوهشی و در بخش دوم به نتایج حاصل از کاربرد این روش‌ها پرداخته شده است.

مبانی نظری

جستجو برای عدالت یا کاهش بی‌عدالتی از اهداف اصلی در تمام جوامع؛ اصلی بنیادین برای حفظ کرامت انسانی و انصاف؛ محسوب می‌شود (Soja, 2009:1). از این‌روست که عدالت، هدف نهایی بسیاری از سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای تعریف شده است. در این راستا تفکر عدالت شهری مبتنی بر مجموعه مطالعاتی است که بر مفهوم‌سازی عدالت و تبیین چارچوبی اخلاقی برای عدالت در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای همت گمارده‌اند. به همین دلیل آراء نظری قابل ملاحظه‌ای در ادبیات برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر عدالت شکل گرفته است. این امر نشان‌دهنده ماهیت مناقشه‌انگیز سیاست‌های عمومی شهری است (Williams, 2016:3). تنوع مفهومی «عدالت» حاکی از وجود تفاوت و حتی تضاد در اهداف سیاسی پیشروی برنامه‌ریزان می‌باشد (داداش‌پور و الوندی پور، ۱۳۹۶:۷).

ادبیات غالب عدالت شهری از فلسفه‌های سیاسی لیبرال غربی مانند منفعت‌گرایی^۱، نظریه قرارداد اجتماعی^۲ و رویکرد قابلیت‌ها^۳ سرچشمه گرفته است. فیلسوفان سیاسی لیبرال نظیر سقراط، جان لاک^۴، جان استوارت میل و جان راولز^۵ هر کدام آرای

رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرها در دهه‌های اخیر، موجب واقعیت‌هایی چون نابرابری اجتماعی، قطبی شدن فضایی، فقر و نمود کالبدی این معضلات چون دسترسی نابرابر به سرمایه‌های شهری شده است. از این‌رو، مهم‌ترین رسالت متخصصان و حرفه‌مندان شهری کاهش این نابرابری‌ها و از بین بردن تضاد در دسترسی به سرمایه‌های شهری برای ساکنان و گروه‌های مختلف اجتماعی است. در همین راستا بحث عدالت فضایی مطرح می‌شود. عدالت فضایی به‌عنوان ابزار هنجاری در تحقق عدالت در مقیاس شهری، هدف نهایی بسیاری از سیاست‌های برنامه‌ریزی فضایی است (Soja, 2009: 2). عدالت فضایی مفهومی میان‌رشته‌ای است که در اشکال گوناگون در حوزه‌های علمی مختلف مانند برنامه‌ریزی شهری، علوم اجتماعی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، با هدف باز توزیع فرصت‌ها و کاهش فاصله میان فقیر و غنی در شهر مطالعه می‌شود (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴ الف: ۱۹۲). پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به بررسی عوامل مؤثر بر عدالت فضایی پرداخته‌اند. اما چشم‌انداز و تصویر منسجمی از این مطالعات در طول این سال‌ها در دست نیست.

از سوی دیگر آنچه موجب می‌شود تا جوهر علمی حیات پیدا کند، شناخت و درک عمیق روش‌شناسی پژوهش‌ها یا شیوه‌هایی است که برای پیشرفت علم به کار بسته شده است. روش‌شناسی در همه علوم، به‌ویژه در پژوهش‌ها شهری با توجه به گستره آن اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از طرح مباحث روش‌شناسی یافتن راه مناسب‌تر برای رسیدن به واقعیت است تا در پرتو آن، پژوهش‌های علمی از خطا و لغزش مصون بمانند. از این‌رو و با توجه به اهمیتی که روش‌شناسی پژوهش دارد، تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های علمی انجام شده در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری و ارزیابی روش‌شناسی این پژوهش‌ها و نتایج حاصله، می‌تواند به جمع‌بندی منسجم و قابل اتکا از پژوهش‌های مزبور کمک نماید.

پژوهش حاضر بر آن است تا با مطالعه فراروشی پژوهش‌های عدالت فضایی، تصویری نسبتاً دقیق از روش‌شناسی و نتایج پژوهش‌های عدالت فضایی در ایران، نقاط قوت و ضعف آن و وضعیت کنونی این حوزه در مقیاس شهری به دست آورد تا بتواند چشم‌انداز آتی آن را توصیف و پیش‌بینی کند. از جمله اهداف دیگر پژوهش، معرفی کاربرد راهبرد فراروش در پژوهش‌های شهری است. زیرا ارزیابی کارهای پژوهشی

¹. Utilitarianism

². Social Contract Theory

³. Capabilities Approach

⁴. John Locke

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، برنامه‌ریزان شهری شروع به توجه و آدرس‌دهی به موضوع عدالت کردند (داداش‌پور و الوندی‌پور، ۱۳۹۵: ۶۹). در این راستا، نظریه‌پردازان معاصر ذیل سنت‌های برنامه‌ریزی (آمریکایی، بریتانیایی، فرانسوی) به توصیف چگونگی ارتباط بین عدالت، پاسخ‌گویی و شهر پرداختند و در کاربردی نمودن این مفاهیم در قالب نظام برنامه‌ریزی شهرها توجه کردند (Uitermark & Nicholls, 2017: 37). از این‌رو سه رویکرد اصلی به مبحث عدالت شهری شکل گرفت: ۱. برنامه‌ریزی ارتباطی^۹، ۲. عدالت فضایی^{۱۰}، ۳. شهر عدالت^{۱۱} (Fainstein, 2014:1; Hirt, 2016:384).

در طول دهه پایانی قرن بیستم برنامه‌ریزی ارتباطی توسط پتسی هیلی^{۱۲} مطرح شد. تأکید این نوع برنامه‌ریزی بر فرایند عادلانه با اقتباس از مفهوم فلسفی موردنظر هابرماس^{۱۳} بود. این برنامه‌ریزی نشان از اعتراض به روش‌های تکنوکراتیک و آمران‌های داشت که پایه و اساس برنامه‌های نوسازی شهرها را تشکیل داده بودند. در این نوع از برنامه‌ریزی، فرض بر این است که هرچه نقش گروه‌های محروم در تصمیم‌های سیاسی قوی‌تر باشد باز توزیع نتایج بهتر خواهد بود. بنابراین همکاری و مشورت و وسیع نتایج عادلانه‌تری را در پی خواهند داشت (Uitermark & Nicholls, 2017: 43). در ادامه شهر عدالت محور سوزان فاینستاین^{۱۴} (۲۰۰۵-۲۰۱۰)، بر پایه چندین نظریه فلسفی شکل گرفت. او به‌طور خاص بر نظریات عدالت راولز^{۱۵}، حق به‌شهر^{۱۶} لوفور^{۱۷} و نظریه قابلیت‌های انسانی^{۱۸} نوزیام^{۱۹} تأکید داشته و سه معیار دموکراسی، تنوع و برابری را به‌عنوان اصول حاکم بر موضوع عدالت شهری مطرح کرد. به عقیده فاینستاین هرچند تغییرات بنیادی در نگرش به عدالت شهری در سطوح محلی امکان‌پذیر نیست اما می‌توان با اعمال تغییراتی در بیان سیاست‌های شهری، از رقابت بر سر مسئله عدالت به گفتمان عدالت، موجبات افزایش کیفیت زندگی شهروندان را فراهم آورد (Low & Iveson, 2016:13).

ادوارد سوجا^{۲۰} (۲۰۱۰) نیز با بهره‌گیری از نظریات لوفور به ارائه روشی جهت تفکر فضایی به موضوع عدالت پرداخته و

نظری در ارتباط با عدالت و شهر عدالت محور مبتنی بر تعدادی هنجارهای انتزاعی با تأکید بر انصاف و برابری از مفهوم عدالت، ارائه کرده‌اند (Zapata & Bates, 2015:246). همچنین عدالت برای مارکسیست‌ها نیز معنای دیگری داشت؛ کسانی که به دنبال سرکوب تمام نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بودند. هرچند تمام این تعاریف از عدالت، این فرض رایج را پذیرفته بودند که عدالت درباره برابری و نابرابری اجتماعی و اقتصادی و با هدف کاهش، سرکوب و یا تلطیف نابرابری اجتماعی و اقتصادی است (Zapata & Bates, 2017:246).

در ادامه با بررسی متون جهانی مشخص شد که دو مفهوم متقابل از عدالت، بحث را قطعی کرده‌اند. از یک‌طرف، جان راولز، عدالت را به‌مثابه انصاف تعریف کرده که بر فرد متکی است. هرچند که نظریه راولز درباره عدالت مساوات طلبانه نیست، اما فرض برابری ذاتی برای هر فرد را می‌پذیرد. نظریه او نابرابری را در شرایطی توجیه‌پذیر می‌داند که به نفع کم برخوردارترین افراد جامعه باشد. او ادعا می‌کند که تعریفی جهان‌شمول از عدالت مبتنی بر فرایندهای فرضیه‌ای و غیر تاریخی ارائه کرده است (Rawls, 1971:266). از سوی دیگر، اجتماع‌گرایان^۵ در تعریف خود از عدالت بر جوامع متمرکز شده که حقوقشان باید قبل از افراد تعریف شود.

اما در طول سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۰، بازتاب فلسفی عدالت در کار پژوهشگرانی چون آریس ماریون یانگ^۶ و دیوید هاروی^۷ دستخوش تغییر بنیادینی گردید. یانگ، ایده یکسان‌سازی مفهوم عدالت را به نفع شناسایی اشکال خاصی از بی‌عدالتی که گروه اجتماعی خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهند، رد کرد. او چنین استدلال می‌کند که ابعاد اقتصادی و اجتماعی به‌تنهایی برای تعریف عدالت کافی نیستند؛ سیاست‌های عادلانه باید سرکوب هرگونه ظلم را دنبال کنند (Young, 1990:227). دیوید هاروی در مقاله‌ی معروف خود با بهره‌گیری از کار یانگ، نشان داد که چگونه کار یانگ می‌تواند برای سیاست شهری اعمال شود (Harvey, 1992:589). بنابراین فرض تعریف فرایندی از عدالت به‌جای عدالت ساختاری، مفهومی جدید از عدالت را شکل داد که تأکید آن بر بازشناسی و تائید تفاوت‌ها بود. این امر خود منجر به شکل‌گیری سیاست‌های برنامه‌ریزی باهدف احقاق حقوق گروه‌های هویتی متفاوت شد.

⁹. Collaborative planning

¹⁰. Spatial Justice

¹¹. Just city

¹². Patsy Healey

¹³. Habermas

¹⁴. Susan Fainstein

¹⁵. Rawls

¹⁶. Right to the city

¹⁷. Lefebvre

¹⁸. set of capabilities

¹⁹. Nussbaum

²⁰. Edward Soja

⁵. John Rawls

⁶. Communitarianism

⁷. Iris Marion Young

⁸. David Harvey

رویکرد اول، بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی- اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی بر اساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است. مانند دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت هوای خوب و ... (مارکوس و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۱؛ Soja, 2009: 6؛ Dufaux & et al., 2009: 3). در این رویکرد، توزیع عادلانه منابع می‌تواند در چهار شکل: برابر مینا (ارائه خدمات برابر به همه افراد)، جبرانی/ نیاز مینا (افرادی که نیاز بیش‌تری دارند خدمات بیش‌تری دریافت می‌کنند)، تقاضا مینا (افرادی که تقاضای بیش‌تری برای بهره‌مندی از خدمات دارند، بیش‌تر دریافت می‌کنند) و سیستم بازار (خدمات متناسب با نظام بازار ارائه می‌شود) تأمین شود (Heckert & Rosan, 2016: 265). هر یک از این اشکال نیز با تأکید بر برآیندهای عادلانه از شاخص‌های متعددی چون دسترسی به خدمات، نیازمندی ساکنان به خدمات، منفعت عمومی، کارایی و ... در تبیین عدالت فضایی بهره می‌گیرند (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰ الف: ۱۷۶).

رویکرد دوم، بر فرایندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد. این رویکرد هم‌چنین بازنمودهای فضایی، مکانی، هویتی و اعمال اجتماعی را شامل می‌شود؛ مانند وجود رویکردهای تبعیض‌آمیز در شکل‌دهی به فضای شهری (Fainstein, 2014: 14؛ Soja, 2009: 3؛ Dufaux & et al., 2009: 1). این جریان نظری نگاهی فرایندی و ساختاری به عدالت داشته و به دنبال رویه‌های عادلانه جهت تحقق عدالت فضایی در شهر است. از این‌رو، معیارهایی چون آزادی، فرصت برابر/ برابری، تفاوت/تنوع، نیاز، شرکت در منفعت عمومی، استحقاق و مردم‌سالاری را در تبیین عدالت فضایی مورد استفاده قرار می‌دهد (داداش پور و الوندی پور، ۱۳۹۵: ۷۶). لازم به ذکر است که هر چند مباحث مرتبط با عدالت توزیعی و دسترسی به خدمات و منافع عمومی از اهمیت بسزایی در مطالعات شهری برخوردار بوده اما در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران شهری بیش از گذشته به عوامل و دلایل دسترسی‌های نابرابر شهری معطوف شده است (Malý, 2016: 3-5).

اهمیت این مطالب از این‌روست که رویکرد دوم از عدالت فضایی به‌عنوان یک گفتمان انتقادی، هدفش حذف تبعیض، کاهش فقر، جدایی‌گزینی اجتماعی و سلطه است. این‌چنین مفهوم‌سازی از عدالت فضایی در شهر، نیازمند شناخت بازیگران قدرت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اجتماعی، سیاسی و تحلیل روابط قدرت، ساختارها و فرایندهای برنامه‌ریزی است (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴).

اصطلاح عدالت فضایی را مطرح کرد. به عقیده سوجا عدالت بی‌عدالتی از طریق تولید فضایی جغرافیایی شکل گرفته و عدالت موضوعی جغرافیایی است. اما لازم به ذکر است که برای سوجا مفهوم عدالت فضایی معنایی بسیار گسترده‌تری از برابری و توزیع عادلانه را دربر می‌گیرد. او عدالت در شهر و عدالت فضایی را با مفاهیمی چون آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق مدنی هم‌راستا می‌داند (Manuel, 2016: 2). به بیانی دیگر عدالت فضایی توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا با مقیاس‌های مختلف است. عدالت فضایی با اذعان به این نکته که فضا به شکل اجتماعی تولید می‌شود و به روابط اجتماعی شکل می‌دهد، به تقویت مفهوم عدالت اجتماعی می‌پردازد (Bromberg & et al., 2007: 4).

عدالت فضایی نقطه اشتراک و اتصال دو مفهوم عدالت اجتماعی و فضا می‌باشد. فضا و سازمان‌یافتگی آن از ابعاد مهم جوامع بشری است. فضا یک ساختار اجتماعی است که منعکس‌کننده حقایق اجتماعی بوده و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. از این‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمود می‌یابد (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹).

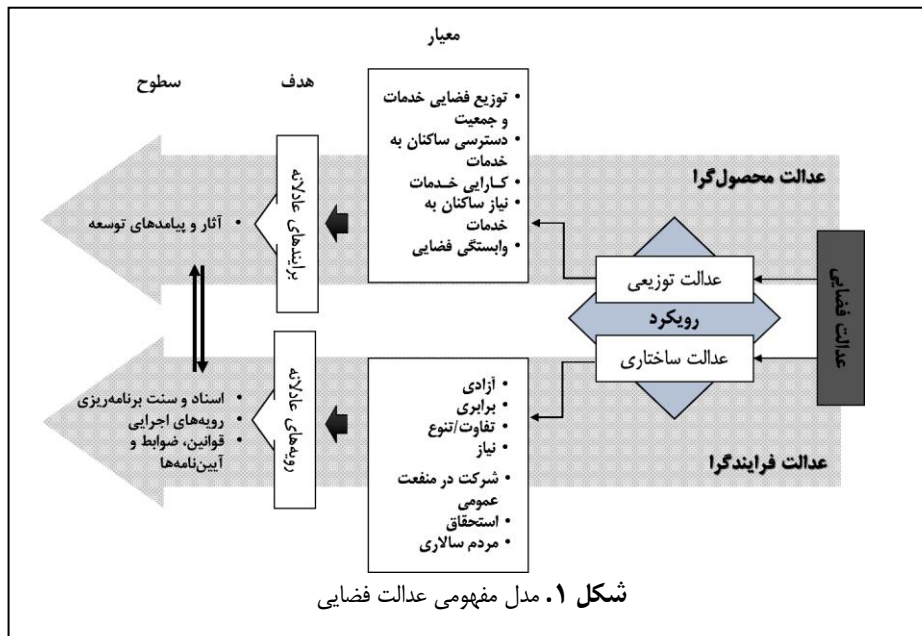
تفکر فضایی در مورد عدالت نه تنها درک نظری از عدالت را غنی‌تر می‌سازد، بلکه با طرح دیدگاه‌های جدید قابل توجه، دانش عملی را نیز به اقدامات مؤثرتر برای رسیدن به عدالت و مشارکت مردمی بیش‌تر سوق می‌دهد (Soja, 2009: 2). لازم به ذکر است که در عدالت فضایی تأکید به‌خودی‌خود بر فضا نیست، بلکه بر فرایندهایی است که فضا را تولید می‌کنند و در عین حال بر کاربرد این فضاهای تولیدشده در فرایندهای پویای اجتماعی، اقتصادی و روابط سیاسی تأکید می‌شود (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

در این میان، بررسی نحوه و چگونگی پیاده‌سازی عدالت فضایی، پرسش‌های روش‌شناختی جالبی را مطرح می‌کند: عدالت غالباً بر مبنای نتایج و یا توزیع فضایی (کالا، خدمات، از مردم ...) ارزیابی می‌شود، اما به‌طور فزاینده نیز پژوهش درباره عدالت فضایی با مسائل مربوط به فضای بازنمایی شده درگیر است. فضایی که در آن هویت‌ها و تجربه‌ها فرایند عدالت را شکل می‌دهند (Dufaux & et al., 2009: 1). به بیان دیگر، عدالت فضایی هم می‌تواند به‌عنوان نتیجه و هم‌روند دیده شود. به‌عنوان محدوده‌های جغرافیایی از الگوهای توزیعی که به‌خودی‌خود عادلانه/ ناعادلانه هستند یا به‌عنوان فرایندهایی که این نتایج را تولید می‌کنند (Soja, 2009: 2). از این‌رو، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی روبه‌رو هستیم: ۱- توزیع فضایی، ۲- فرایندهای تصمیم‌سازی.

شکل ۱. (Soja, 2009:2; de Jeude & et al., 2016:65).

مدل مفهومی عدالت فضایی را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که کشف و طرح نمونه‌هایی از بی‌عدالتی فضایی به‌صورت توزیعی نسبتاً آسان است، اما شناسایی و درک فرآیندهای اساسی تولید مناطق جغرافیایی ناعادلانه بسیار سخت‌تر است



فرآیندهای آن‌ها نیز داشته باشد (Zhao, 1991: 382).

به‌طور کلی، مراحل هفت‌گانه‌ای برای انجام یک فراروش مرسوم است: در مرحله اول انتخاب موضوع و تنظیم سؤال پژوهش است. مهم‌ترین اقدام در این مرحله مشخص نمودن حدود و اهداف پژوهش است. در مرحله دوم بر اساس هدف پژوهش، شناسایی، گردآوری و تلخیص پژوهش‌ها انجام می‌گیرد. در این بخش نهایتاً تعدادی منبع معتبر با توجه به هدف پژوهش انتخاب می‌گردد. در مرحله سوم که با فیش‌برداری و فیلترسازی محتویات منابع همراه است، به‌مرور نظام‌مند داده‌ها ختم می‌شود. در مرحله چهارم با استفاده از یافته‌های مرحله‌ی پیشین، استخراج داده‌ها صورت می‌گیرد. مرحله پنجم به تجزیه و تحلیل نتایج اختصاص دارد و در مرحله ششم با ترکیب نتایج و کنترل دوباره کیفیت آن‌ها، زمینه نگارش یافته‌ها در مرحله هفتم فراهم می‌شود (محمد پور، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴؛ قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش اسنادی، یعنی از داده‌های ثانویه به نام اسناد و مدارک گذشته استفاده شد. این

روش پژوهش

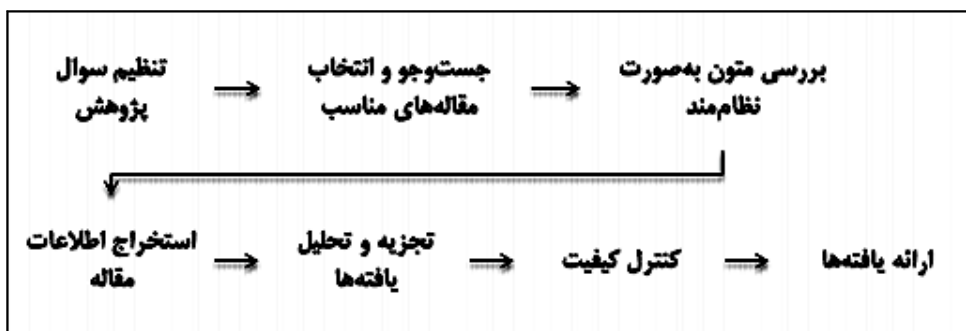
این پژوهش بر مبنای طرح پژوهش ترکیبی^{۲۱} شکل گرفته است. در سال‌های اخیر با رشد پژوهش و تولید دانش در حوزه‌های مختلف علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، پژوهش‌گران در عمل به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک موضوع و به‌روز بودن در این زمینه، تا حدود زیادی امکان‌پذیر نیست، پس بهره‌گیری از روش پژوهش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام‌شده در یک موضوع خاص را به‌گونه‌ای نظام‌دار و علمی فراروی پژوهش‌گران قرار می‌دهند، گسترش روزافزون یافته است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳ به نقل از: ازکیا و توکلی، ۱۳۸۵).

به‌منظور پاسخ به هدف و پرسش‌های مطرح در این پژوهش، از طرح فراروش به‌عنوان راهبرد پژوهش استفاده شد (شکل ۲). این راهبرد، نوع متفاوتی از مطالعه ثانویه است که در آن سعی می‌شود علاوه بر سنتز نتایج پژوهش‌ها قبلی، تأمل و تعمقی بر

²¹ Mixed Method

است؛ همچنین برای اطمینان از روایی فهرست، این فرم به همراه اهداف پژوهش، میان ۱۰ نفر از کارشناسان توزیع شده و با اعمال نظرات کارشناسی و بازنگری نهایی، روایی صوری فرم جامع مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است که مقوله‌های مورد توجه در این فرم در ذیل دو محور اصلی شامل «روش‌شناسی» و «دست‌آوردهای پژوهش» تعریف شدند که در قالب جدول ۱، آورده شده‌اند.

اسناد و مدارک شامل انواع پژوهش‌های موجود (رساله، پایان‌نامه، طرح پژوهشی، مقاله) در زمینه عدالت فضایی بوده است، به‌منظور دقت بیشتر در جمع‌آوری اطلاعات قبل از مطالعه پژوهش‌ها، فهرستی تهیه شد. این فهرست به هنگام مطالعه پژوهش‌ها، نقش صافی اطلاعات را بر عهده داشته و بستر ساز تجزیه یک پژوهش به تعدادی مقوله‌های قابل تحلیل است و هدف از آن بالا بردن کیفیت امکان تجزیه و تحلیل پژوهش‌ها



مأخذ: محمدپور، ۱۳۹۸: ۷۲

شکل ۲. مراحل راهبرد فراروش

جدول ۱. چارچوب تحلیلی در فرم جامع تلخیص و استخراج اطلاعات مقاله‌ها

مقولات	محورها
روش‌شناسی	مبانی فلسفی، رویکرد، نوع، هدف، راهبرد، فنون جمع‌آوری اطلاعات، فنون تقلیل، فنون تحلیل
یافته‌ها	دست‌آوردهای پژوهش، راهکارهای پژوهش، پیشنهاد پژوهش‌های تکمیلی

مجله‌های علمی - پژوهشی چاپ گردیده^{۲۳} و نیز از پژوهش‌های کمی و کیفی به‌صورت توأمان بهره برده شد. در مرحله بعد با تحلیل نزدیکی مقاله‌ها با هدف پژوهش، مقاله‌هایی که کم‌تر ارتباط خاص با موضوع عدالت اجتماعی داشتند، از فرایند پژوهش حذف شدند.

همچنین پس از بررسی کیفی پژوهش‌های انجام‌یافته (گزینش پژوهش‌ها بر اساس معیار رعایت قواعد روش شناسانه و نتایج آزمون‌ها و اهداف پژوهش) در نهایت جامعه‌ی آماری پژوهش پیش‌رو ۴۴ مقاله چاپ‌شده با محوریت موضوعی عدالت فضایی در مقیاس شهری در فصل‌نامه‌های علمی - پژوهشی در حوزه‌ی پژوهش‌های شهری در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴ انتخاب شد^{۲۴}.

روش تقلیل داده‌ها

در ابتدا با جستجوی اینترنتی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی نظیر پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه‌های اینترنتی مگ ایران، نورمگز، سیویلیکا و ایران داک (بانک اطلاعات پایان‌نامه‌های کشور) و نیز موتور جستجوی گوگل با استفاده از کلمات کلیدی چون «عدالت فضایی، عدالت شهری، نابرابری فضایی، عدالت اجتماعی، فضای شهری نابرابر، جدایی فضایی» نسبت به جمع‌آوری تمام پژوهش‌های معتبر داخلی اقدام شد.

جهت تقویت اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها در انتخاب منابع استفاده شده، چند اولویت لحاظ شده است؛ اول این‌که در انتخاب پژوهش‌ها محدودیت زمانی لحاظ شد و از انتخاب پژوهش‌هایی که مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۸۳ بوده، اجتناب شد^{۲۲}. دوم این‌که پژوهش‌هایی مورد استفاده قرار گرفت که در

^{۲۳} از آنجایی که دسترسی به محتوای طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها در

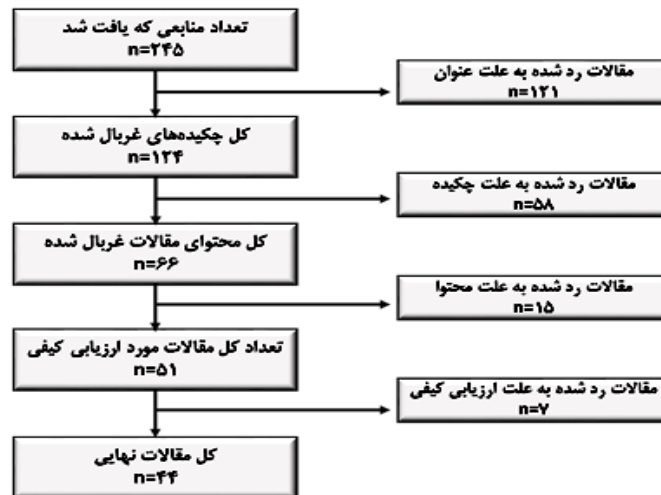
موارد بسیار برای پژوهشگر با محدودیت روبه‌رو است.

^{۲۴} کتاب‌شناسی پژوهش‌های منتخب در انتهای مقاله آورده شده است.

^{۲۲} زیرا منابع مربوط به آن دوره تقریباً پراکنده و محدود بوده است.

پژوهشی و پایان‌نامه، بازنشر محتوای غالب طرح‌ها و این پایان‌نامه‌ها در فصل‌نامه‌های علمی-پژوهشی، یکسان نبودن وزن و ارزش علمی مقاله‌های علمی-پژوهشی و سایر مقاله‌ها) با اطمینان کامل می‌توان نتایج را به‌کل جامعه نسبت داد و نیازی به استفاده از آمارهای استنباطی که مربوط به زمان نمونه‌گیری تصادفی از جامعه می‌شود، نیست (شکل ۳).

نکته‌ای که در این‌جا تذکر داده می‌شود؛ آن‌که این پژوهش بحث نمونه‌گیری آماری انجام نمی‌دهد که طبق آن مقاله‌های علمی-پژوهشی را یک نمونه از جامعه آماری در نظر بگیرد، بلکه صحبت از نماینده‌ای است که تمام ویژگی‌های جامعه را در خود دارد. پس در صورتی که این نماینده مورد پیمایش کامل قرار گیرد، به استناد دلایلی (چون دشواری دسترسی به طرح‌های



شکل ۳. ماتریس جستجوی مقاله‌ها

یک موضوع است. در این‌جا هدف، کمک به پدیدآمدن یافته‌های پژوهش از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌ها است. این امر بدان معنا است که پژوهشگر با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آن‌ها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش دست پیدا کند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). این نوع کدگذاری دقیقاً با مرحله اول کدگذاری داده‌ها در پژوهش‌های نظری برخاسته از داده^{۲۷} مشابه است. در این شیوه کدگذاری، کدها از متن مقاله استخراج می‌شود (کدگذاری مرتبه اول) و سپس بر روی این کدهای استخراج‌شده مجدداً کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد؛ تا مفاهیم را شکل دهد (کدگذاری مرتبه دوم). بالاخره بر روی مفاهیم نیز کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد تا مقوله‌ها حاصل شود. این روش بیش‌تر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و پژوهشگر می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند.

روش‌های مورد استفاده در تحلیل اطلاعات نیز متناسب با راهبرد پژوهش متن پایه انتخاب‌شده است که از شیوه‌هایی چون مرور نظام‌مند^{۲۵} به روش مدل مارشال و راسمن و کدگذاری باز^{۲۶} استفاده شده است. مرور نظام‌مند به مطالعه کلان، جامع، تفسیر و تحلیل متونی می‌پردازد که به یک موضوع خاص مرتبط هستند. این نوع پژوهش‌ها به علت خلاصه کردن متون در دسترس در مورد یک موضوع، معنا بخشیدن به انبوهی از اطلاعات، ارائه تحلیل از متون موجود و بی‌نیاز ساختن خوانندگان از مطالعه تک‌تک اسناد مربوطه، ارائه تصویری کامل از موضوع و دست یافتن به کشف‌های نوین از اهمیت فراوانی برخوردارند (وفاییان و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

پس از شناسایی پژوهش‌های مورد نظر که حاصل مرور نظام‌مند منابع موجود است، از یکی از معروف‌ترین شیوه‌های تحلیل داده‌های متنی با عنوان کدگذاری باز بهره گرفته شد. این شیوه بیش‌تر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون

27. Grounded Theory

25. Systematic Review

26. Open Coding

یافته‌ها

روش‌شناسی مقاله‌های مطالعه شده

در این بخش به منظور کالبدشکافی پژوهش‌ها و تحلیل عناصر بنیادین ساختار روش‌شناسی آن‌ها، از مدل اقتباسی پیاز پژوهش^{۲۸} اثر ساندرز^{۲۹} استفاده شد (شکل ۴). این مدل در حقیقت فرایندهای روش‌شناختی انجام پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس این مدل یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متأثر از لایه‌ی بالاتر است (Saunders & et al., 2009:106).

در این راستا نتایج حاصل از فراروش پژوهش‌های انجام‌یافته، نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از پژوهش‌ها، پژوهش‌گران به مبانی فلسفی و رویکرد پژوهش موردنظر خود، اشاره نکرده‌اند. این احتمال می‌رود که این دولایه روش‌شناسی به‌هیچ‌عنوان از دغدغه‌های روشی پژوهش‌گران محسوب نشده و غالباً انجام یک پژوهش با جمع‌آوری مستقیم داده‌ها و بدون توجه به لایه‌های پیشین آغاز شده است. در ادامه با بهره‌گیری از کدگذاری متن مقاله‌ها مشخص شد که ۷۵ درصد از پژوهش‌های انجام‌یافته با رویکرد شبه‌قیاسی محقق‌گشته‌اند. ۲۵ درصد از پژوهش‌ها رویکرد مشخصی را دنبال نکرده بودند. همچنین سایر رویکردهای پژوهش شامل استقرایی، پس‌کاوی و استقهامی نیز مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

در ارتباط با نوع پژوهش‌ها، بیش از ۷۵ درصد (۳۳ مورد) از مقاله‌های علمی-پژوهشی مورد بررسی، با رویکرد کمی به پژوهش و در میدان عمل تنظیم شده‌اند. در مقابل مقاله‌های کیفی معدودی باهدف عمق‌بخشی به مبانی نظری و شاخص‌شناسی عدالت فضایی طراحی گردیده است. در مجموع تنها ۲۵ درصد (۱۱ مورد) از مقاله‌های مورد بررسی با بهره‌گیری از راهبرد کیفی طراحی و اجرا شده‌اند. همچنین خلاً پژوهش‌های ترکیبی نیز با توجه به قابلیت‌های آن در پیشبرد اهداف عدالت فضایی در پژوهش‌های مورد بررسی، احساس می‌شود. لازم به ذکر است که اکثر پژوهش‌های به‌ظاهر کمی در این مقاله نیز نه‌تنها اصول و منطق پارادایمی آن را دنبال نکرده‌اند، بلکه عمدتاً در قالب کلیشه‌های کمی و آماری خلاصه شده‌اند. موضوع‌ها، روش‌ها، نظریه‌ها و آماره‌ها، تکراری بوده که نتایج بدیهی عامیانه را به همراه داشته است. از میان پژوهش‌های انجام‌یافته با رویکرد کمی، تنها حدود ۳۰ درصد از

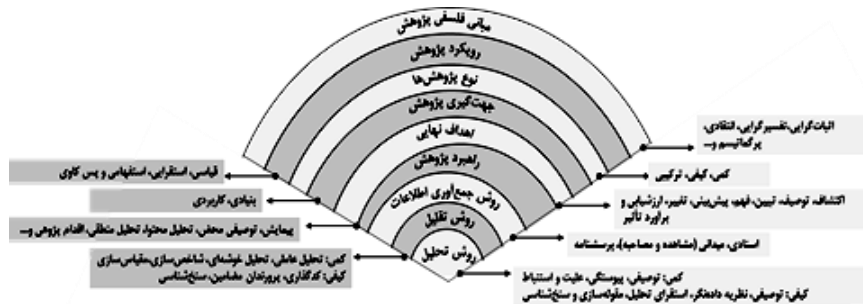
مقاله‌ها با توجه به موضوع پارادایمی روش‌های کمی با طرح سؤال و فرضیه‌سازی، پژوهش خود را آغاز نموده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌های: پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳): داداش پور و رستمی (۱۳۹۰ ب) و طیبیان و همکاران (۱۳۸۹)، اشاره نمود. در حقیقت بیش از ۷۰ درصد از پژوهش‌های حوزه عدالت فضایی بدون بیان سؤال و فرضیه جهت دهنده به پژوهش و یا اتکا صرف به سؤال‌ها، علی‌رغم ادعای برخورداری از رویکرد کمی-قیاسی، به بررسی موضوع پرداخته‌اند. در ارتباط با پژوهش‌های کیفی نیز حدود نیمی از پژوهش‌ها بدون طرح سؤال پژوهش و بعضی به‌اشتباه با طرح فرضیه آغاز شده‌اند. همین عوامل باعث شده است که پژوهش‌ها کیفی انجام‌شده، نتوانند از سطح نظری مناسبی برخوردار باشند. این شرایط در حالی است که سؤالات و فرضیه‌های پژوهش از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده پژوهش‌های کیفی و کمی محسوب می‌شوند. در واقع در لایه اول، مبانی فلسفی پژوهش قرار دارد که نوع نگاه پژوهش‌گر به پدیده مورد مطالعه و نوع درگیری او با سوژه مورد بررسی را به نمایش می‌گذارد. بنابراین فلسفه و جهان‌بینی پژوهش‌گر، پایه و اساس پژوهش را شکل می‌دهد. زیرا هر یک از مراحل بعدی پژوهش از انتخاب رویکرد پژوهش تا جمع‌آوری و تحلیل داده بر اساس جهان‌بینی و نگرش پژوهش‌گر صورت می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹ الف: ۱۰-۱۵). در لایه دوم بانوان رویکرد پژوهش، پژوهش‌گر با انتخاب هر یک از مبانی فلسفی در لایه قبل، چهار رویکرد اصلی «قیاسی، استقرایی، استقهامی و پس‌کاوی» را برای نظم‌دهی به رفتار پدیده و یا فهم و درک آن رفتار در پیش می‌گیرد. رویکرد پژوهش در حقیقت منطق پایه از انجام پژوهش را تبیین می‌نمایند. در ادامه پژوهش‌گر نوع پژوهش خود را از حیث کمی یا کیفی در لایه سوم مشخص می‌کند. رویکردهای غالب در انجام پژوهش‌های علمی از سه سنت کمی‌گرایی، کیفی‌گرایی و پژوهش‌های ترکیبی تشکیل شده‌اند. کمی‌گرایی در پژوهش عمدتاً مبتنی بر سنت اثبات‌گرایی و رویکرد استقرایی و قیاسی می‌باشد و به‌عنوان فنون مرتبط با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه اطلاعات عددی و آماری تعریف می‌شود. کیفی‌گرایی در پژوهش از نظر فلسفی و فکری بر رویکردهای ذهنی گرا، نسبی‌گرا و معناگرا و منطق استدلال استقهامی و پس‌کاوی استوار است. پژوهش‌های ترکیبی نیز با اتکا فلسفی و فکری به پارادایم پراگماتیسم بر ترکیب دو روش‌شناسی کمی و کیفی پژوهش در همه مراحل پژوهش تأکید داشته و از تقابل سنتی روش‌شناختی کمی-کیفی اجتناب می‌کند (ایمان، ۱۳۹۰: ۳؛ محمدپور، ۱۳۸۹ الف: ۲۰).

28. The research Onion

29. Saunders

کاربردی و معطوف به سیاست‌های اجرایی است (بلیکی، ۱۳۹۳: ۷۳). نتایج بررسی مقاله‌های مطالعاتی نشان می‌دهد که متناسب با نوع پژوهش، پژوهش‌های کمی از نوع کاربردی و در جهت تعدیل سیاست‌های اجرایی بکار گرفته شده‌اند و پژوهش‌های کیفی از نوع بنیادی هستند.

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات و تائید یا رد این فرضیه‌هاست که پژوهش انجام می‌شود (بلیکی، ۱۳۹۳: ۴۰). حصول چنین نتایجی خود حاکی از نپرداختن طرح پژوهش‌گر به بنیان‌های فلسفی و رویکردهای پژوهش نیز هست. لایه چهارم به جهت‌گیری پژوهش اختصاص دارد؛ یعنی این که آیا پژوهش از نوع بنیادی یا نظری است و یا پژوهش



شکل ۴. مدل اقتباسی پیاز پژوهش

مأخذ: بلیکی، ۱۳۹۳؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۰: ۱۳۸۹؛ ۱۰۷: ۱۰۷، ۲۰۰۹ Saunders & et al., 2009

جدول ۲. چارچوب‌های پژوهشی مقاله‌های مورد بررسی

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد	کدها	تعداد	درصد
	سؤال محور	۱۰	۳۰			
	فرضیه محور	۷	۲۱			
نوع پژوهش	سؤال و فرضیه محور	۴	۱۲	کمی	۳۳	۷۵
(۴۴ مورد)	فاقد سؤال و فرضیه	۱۲	۳۶			
	سؤال محور	۵	۴۵			
کیفی	فرضیه محور	۱	۹		۱۱	۲۵
	فاقد سؤال	۵	۴۵			
هدف پژوهش	توصیف آمار پایه	۳۲	۷۳			
(۴۴ مورد)	برآورد تأثیر اجتماعی	۱	۲			
	توصیف متن پایه	۶	۱۴			
	اکتشاف	۵	۱۱			

در دو شکل آمار پایه و متن پایه به توصیف این پدیده پرداخته بودند. در ادامه حدود ۱۰ درصد از مقاله‌ها: داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۴ ب)، عزیزی و شکوهی بیدهندی (۱۳۹۴)، نوریان و سعیدی رضوانی (۱۳۹۲)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۸۸)، جوان و عبداللهی (۱۳۸۷)، نیز تلاش کرده بودند تا به کشف و فهم اولیه از پدیده عدالت فضایی دست یابند که در دسته پژوهش‌های اکتشافی قرار می‌گیرند. در این میان تنها یک مقاله، طیبیان و همکاران (۱۳۸۹)، باهدف برآورد تأثیر و به‌منظور شناسایی پیامدهای محتمل اقدام‌های شهری در جهت برقراری عدالت فضایی تعریف شده بود. در ادامه نیز روش‌های جمع‌آوری داده، تحلیل و تحلیل داده‌ها مشخص شده است.

در لایه پنجم نیز اهداف نهایی پژوهش مشخص می‌شوند. نتایج حاصل از بررسی این مقوله بر اساس جدول ۲، نشان می‌دهد از میان هدف‌های ذکر شده در انجام یک پژوهش علمی در حوزه عدالت فضایی و در مقیاس شهری تنها از چهار هدف توصیف، اکتشاف، تبیین و برآورد اثر بهره گرفته شده است و پژوهش‌های انجام‌یافته نسبت به سایر اهداف؛ فهم تغییر، پیش‌بینی و ارزش‌یابی بی‌توجه بوده‌اند. در این میان، مقاله‌های توصیفی بیش‌ترین سهم (۸۷ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. این مقاله‌ها به دنبال توصیف و بیان ویژگی‌های مفهومی عدالت فضایی و یا اندازه‌گیری و گزارش بی‌عدالتی فضایی موجود در مقیاس شهری بوده‌اند. لازم به ذکر است که مقاله‌های توصیفی

و ساخت‌نیافته)، انواع مصاحبه (ساخت‌یافته، کانونی و ژرف) اشاره داشت که در این پژوهش‌ها کاربرد نیافته‌اند. در ادامه در بخش روش تقلیل داده‌ها با کمک کدگذاری انجام‌شده بر روی متن پژوهش‌ها مشخص شد که مقاله‌های کمی از روش‌هایی چون شاخص سازی، مقیاس سازی و تحلیل خوشه‌ای و مقاله‌های کیفی از کدگذاری، پروراندن مضامین و سنخ‌شناسی استفاده کرده‌اند. در این میان بیش‌ترین سهم مربوط به شاخص سازی (۶۶ درصد) است که بیش‌تر در راهبر پیمایش استفاده شده است. بعدازآن نیز حدود ۲۰ درصد مقاله‌ها از روش پروراندن مضامین بهره گرفته‌اند. در انتها نیز روش‌های تحلیل شناسایی شدند. در این پژوهش حدود ۵۰ درصد از مقاله‌ها از روش توصیف کمی برای گزارش دادن توزیع‌های جمعیت برحسب متغیرها به کاررفته است. بعدازآن نیز روش‌های توصیفی/ پیوستگی حدود ۲۵ درصد از مقاله‌ها را در بر گرفته‌اند. سنجه‌های پیوستگی برای نشان دادن میزان تغییرات هماهنگ دو متغیر به کار می‌روند. هم‌چنین با توجه به نتایج جدول ۳، حدود ۱۸ درصد مقاله‌ها؛ از روش توصیف کیفی و تنها حدود ۷ درصد (۳ مقاله)، از روش مقوله سازی بهره گرفته‌اند. آنچه در این میان مهم است، توجه بسیار ضعیف به روش‌های متناسب با هر یک از راهبردهای پژوهش انتخابی است. اقبال به روش‌های گردآوری تقلیل و تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش‌ها بسیار پایین است. بیش‌تر داده‌های کیفی و مقاله‌های کیفی در این پژوهش از نوع مروری و توصیفی بوده‌اند و سایر روش‌های پر قدرت علمی چون نظریه داده‌نگر، استقرای تحلیلی و... مورد توجه و استقبال قرار نگرفته‌اند.

در پژوهش‌های مورد بررسی اغلب بین راهبرد پژوهش و روش‌های جمع‌آوری، تقلیل و تحلیل داده‌ها تمایز مشخصی صورت نگرفته و حتی گاهی یکسان فرض شده‌اند. پژوهش‌گران در این مقاله تلاش کرده‌اند تا از طریق کدگذاری متن مقاله‌ها، روش و فنون مورد استفاده برای این بخش را به تفکیک مشخص نمایند. در این ارتباط نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد که در ذیل مقوله راهبرد پژوهش، روش پیمایش سهم ۷۵ درصدی، بیش‌ترین کاربرد را در انجام پژوهش‌های عدالت فضایی در مقیاس شهری دارد. پس از آن نیز روش توصیفی (محض) با سهمی حدود ۱۶ درصد در جایگاه دوم قرار گرفته است. این روش بیش‌تر در مقاله‌های کیفی و با جهت‌گیری‌های توسعه‌ای کاربرد پیدا کرده است. در این میان، تنها چهار مقاله از مجموع ۴۴ مقاله مورد بررسی از روش‌های دیگر شامل تحلیل محتوا، تحلیل منطقی و اقدام پژوهی بهره گرفته‌اند: داداش پور و همکاران (۱۳۹۴ ب)، عزیززی و شکوهی بید هندی (۱۳۹۴)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۸۸). این روش‌ها هر سه، ذیل پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرند و از راهبردهای اصلی پژوهش کیفی در جهت ارتقاء دانش و توسعه نظری در زمینه‌های بومی محسوب می‌شوند.

در زمینه روش جمع‌آوری اطلاعات بیش از ۹۰ درصد مقاله‌ها در گروه پژوهش‌های کمی و هم پژوهش‌های کیفی از بررسی اسناد و مشاهده‌های میدانی به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کرده‌اند و تنها در دو مورد از پرسش‌نامه استفاده شده است: روستایی و همکاران، (۱۳۹۳) و طیبیان و همکاران (۱۳۸۹). از جمله سایر فنون رایج در این بخش می‌توان به انواع مشاهده (ساخت‌یافته، نیمه ساخت‌یافته

جدول ۳. جزئیات روش پژوهش مقاله‌های مورد بررسی

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد
راهبرد پژوهش (۴۴ مورد)	پیمایش	۳۳	۷۵
	توصیفی محض	۷	۱۶
	تحلیل محتوا	۲	۵
	تحلیل منطقی	۱	۲
روش جمع‌آوری اطلاعات (۴۴ مورد)	اقدام پژوهی	۱	۲
	اسنادی	۳۷	۸۴
	اسنادی - میدانی	۵	۱۱
	پرسش‌نامه	۲	۵
روش تقلیل (۴۴ مورد)	تحلیل خوشه‌ای - کمی	۲	۵
	شاخص سازی - کمی	۲۹	۶۶
	مقیاس سازی - کمی	۲	۵
	کدگذاری - کیفی	۲	۵
روش تحلیل (۴۴ مورد)	پروراندن مضامین - کیفی	۸	۱۸
	سنخ‌شناسی - کیفی	۱	۲
	توصیفی - کمی	۲۲	۵۰
	توصیفی/ پیوستگی - کمی	۱۱	۲۵
	توصیفی - کیفی	۸	۱۸
	مقوله سازی - کیفی	۳	۷

پژوهش‌های کمی نیز با توجه به این که راهبرد پژوهش اغلب بر پیمایش بنا شده بود، از مدل‌های شاخص ساز به شکلی گسترده استفاده شد (جدول ۴).

در مجموع از برهم‌گذاری لایه‌های مختلف پژوهش و توجه به ارتباط متقابل بین آن‌ها، پژوهش‌های عدالت فضایی در ایران ذیل دو جریان اصلی روش‌شناسی کمی و کیفی قابل‌تعریف هستند. در این میان روش‌شناسی کمی، بیش‌ترین سهم مطالعات را به خود اختصاص داده است. در نمودار زیر کوشش شد تا هریک از این دو جریان پژوهش و نتایج حاصل از آن‌ها نشان داده شود (شکل ۵).

در بهره‌گیری از روش‌های تحلیل، با توجه به نوع داده‌ها و نوع پژوهش از منظر کمی و کیفی از فنون تحلیل گسترده‌ای نیز می‌توان بهره گرفت. در ادامه کوشش شد تا به تفکیک، پژوهش‌های کمی و کیفی مورد بررسی، فنون تحلیل هریک جمع‌آوری شود تا راهنمایی برای پژوهش‌های آتی قرار گیرد. در ارتباط با پژوهش‌های کیفی مرور منابع مهم‌ترین فن تحلیلی مورد استفاده بود. به شکل محدود نیز ادعای استفاده از سایر فنون تحلیل کیفی چون هم‌سنجی داده‌ها، گونه‌شناسی و تحلیلی محتوا، در مقاله‌ها دیده می‌شد. اما آنچه لازم به ذکر است عدم به‌کارگیری اصولی از این فنون تحلیل است. در

جدول ۴. فنون تحلیل مورد استفاده در پژوهش‌های کمی و کیفی

تعداد مقالات	فنون کیفی	تعداد مقالات	فنون کمی
۷	مرور	۷	تحلیل سلسله‌مراتبی
		۱۱	مدل آنتروپی
		۱	نزدیک‌ترین همسایگی (RN)
		۴	مدل ویکور
		۱	مدل کیپ لند
		۶	مدل تاپسیس
		۱	مدل ضریب مکانی
۲	هم‌سنجی داده‌ها	۵	مدل امتیاز استاندارد شده
		۴	ضریب پراکندگی
		۵	مدل ویلیامسون
		۱	مدل تبدیل کوپیک
		۱	مدل مورس
		۴	مدل تاکسونومی عددی
		۴	مدل ضریب ویژگی
۲	گونه‌شناسی	۱	ضریب Z-score
		۲	ضریب تغییرات
		۱	آزمون معناداری T
		۲	مدل جاذبه
		۴	تحلیل شبکه دسترسی
		۱	مدل لکتر
		۱	مدل کاندراست
۲	تحلیل محتوا	۱	آزمون کروسکال والیس
		۱	مدل فازی
		۲	تحلیل رگرسیون
		۶	تحلیل همبستگی پیرسون
		۳	تحلیل همبستگی اسپیرمن
		۱	آماره عمومی G
		۳	ضرایب جینی
۱	مدل PESTEL	۵	ضریب موران
		۱	ضریب گری
		۲	میزان پراکندگی
		۲	انحراف معیار



شکل ۵. جریان‌شناسی روش‌های مورد استفاده در مقاله‌های مورد بررسی

آن به ویژگی اصلی ساختار فضایی کلان‌شهر تهران بدل شده است (خیرالدین، ۱۳۹۲؛ رفیعیان و شالی، ۱۳۹۱؛ مرصوصی، ۱۳۸۳). ۶ مقاله نیز با توجه به نوع بررسی خود از موضوع عدالت فضایی و نگاه ساختاری به موضوع باهدف تعیین چستی عدالت فضایی، در این بخش به ارائه توضیحاتی کلی در مورد مفهوم عدالت فضایی و معرفی معیارهای عدالت فضایی بسنده کرده‌اند: داداش پور و همکاران (۱۳۹۴)، سعیدی رضوانی (۱۳۹۴) (ب)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)، شکوهی (۱۳۹۳)، نوریان و سعیدی رضوانی (۱۳۸۸). در ارتباط با ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری نیز، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که ساختار نظام برنامه‌ریزی ایران چه در بخش برنامه‌های توسعه شهری مانند طرح جامع و یا قوانین و مقررات مورد اجرا مانند تملک اراضی واقع در برنامه‌های توسعه، عدالت محور نیستند؛ عزیزی و شکوهی بید هندی (۱۳۹۴)، داداش پور و همکاران (۱۳۹۴)، طیبیان و همکاران (۱۳۸۹)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۸۸). در ادامه به منظور تکمیل فرا تلخیص دستاوردهای پژوهشی مقاله‌های مورد مطالعه؛ کوشش شد تا دسته‌بندی مشخصی از راهکارهای ارائه شده در پژوهش‌های باز تحلیل شده در قالب جدول ۵ آورده شود. البته لازم به ذکر است که ۱۰ مقاله از ۴۴ مقاله مورد بررسی، فاقد راهکار پژوهشی بوده‌اند. در ارتباط با راهکارهای ارائه شده لازم به ذکر است که برخی از راهکارها بیش‌تر محصول گرا بوده و سعی در جبران عدم برابری‌های خدماتی در وضع موجود شهرها در راستای رویکرد توزیعی به عدالت فضایی داشته‌اند. بیش‌تر پژوهش‌ها، عدالت جبرانی و نیاز مینا را به‌عنوان راهکاری در پاسخ به بی‌عدالتی فضایی در شهرها مورد توجه قرار داده‌اند: داداش پور و همکاران (۱۳۹۴) (ج)،

دستاوردهای پژوهشی مقاله‌های بررسی شده

مروری بر نتایج و یافته‌های محتوایی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سهمی حدود ۶۰ درصد (۲۷ مقاله) از مقاله‌های مورد بررسی به نتایجی چون سطوح نامناسب عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری، الگوی پراکنش خوشه‌ای کاربری‌های خدماتی و انطباق بین محرومیت‌های اقتصادی - اجتماعی ساکنان و محرومیت در برخورداری از خدمات در نمونه‌های مورد بررسی خود اشاره کرده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از پیدایش سطوح متفاوتی از نابرابری‌های فضایی در شهرهای ایران از کلان‌شهرهایی چون تهران و مشهد تا شهرهای میانی چون ارومیه و سنجند است. در این راستا و در ارتباط با توزیع خدمات شهری، با توجه به نتایج پژوهش امین‌زاده و روشن (۱۳۹۳)، مشخص شد که گزینش روش موردنظر برای سنجش عدالت، به‌شدت در نتیجه این سنجش اثرگذار بوده و اینکه پیش از هر چیز، اقدام به شناسایی روش کاربردی متناسب با موضوع مورد بررسی می‌تواند بر صحت نتایج به‌دست‌آمده مؤثر واقع گردد. از جمله نتایج قابل توجه دیگر از فراروش دستاوردهای پژوهشی مقاله‌های بررسی شده، می‌توان به ناهماهنگی فضایی - اجتماعی و به‌تبع آن جدایی‌گزینی اجتماعی و اقتصادی که منجر به گسست فضایی شده، اشاره داشت. از ۵ مقاله موجود در این دسته، ۳ مقاله، به بررسی توسعه‌یافتگی در کلان‌شهر تهران پرداخته که هر سه در انتها در بازه‌های زمانی متفاوت وجود ناهمگونی‌های فضایی - اجتماعی بین مناطق شهر تهران را از منظر توزیع جغرافیایی شاخص‌های توسعه، اثبات کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، بر مبنای نتایج این پژوهش‌ها کلان‌شهر تهران فاقد وحدت کالبدی بوده و ناهمگونی فضایی بین شمال و جنوب

عبداللهی (۱۳۸۷). هرچند همان‌طور که پیش‌تر گفته شد از آن جایی‌که اندوخته مطالعات عدالت فضایی در ایران غنی نیست، هم‌چنین پژوهش‌های موجود نیز در برخی موارد فرایندهای پژوهشی را به‌درستی طی نکرده‌اند و انباشتگی علمی لازم که این حوزه محقق نشده است، پس این‌طور به نظر می‌رسد که راهکارهای پژوهشی پیشنهادی از عمق و دقت لازم برخوردار نیستند.

در ارتباط با مقوله پیشنهاد پژوهش‌های تکمیلی نیز از ۴۴ مقاله مورد بررسی تنها ۲ مقاله: داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰ ب)، طیبیان و همکاران (۱۳۸۹)، منظر جدیدی را بر روی پژوهش‌های آتی گشوده بودند و سایر مقاله‌ها از این بخش صرف‌نظر کرده بودند. پژوهش‌های پیشنهادی این مقاله‌ها عبارت بودند از: ۱. سنجش یکپارچه عدالت فضایی مبتنی بر معیارهایی چون رضایت‌مندی افراد از خدمات، نیازهای اجتماعی - اقتصادی ساکنان، وضعیت حمل‌ونقل عمومی، چگونگی تخصیص بودجه؛ ۲. تأملی بر نحوه توزیع خدمات، قیمت زمین و حرکات جمعیتی در سطح شهر و ارتباط آنان با عدالت فضایی؛ ۳. ارزیابی عدالت فضایی در طرح‌های توسعه شهری از نظر سرمایه‌گذاران، جامعه حرفه‌ای، جامعه نخبگان، دستگاه اجرایی جامعه سیاست‌گذار، رسانه‌ها.

توکلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳)، پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۳)، علوی و احمدی (۱۳۹۳)، حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۳)، حیدری چپانه و همکاران (۱۳۹۳)، موحد و همکاران (۱۳۹۳)، نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۳)، روستایی و همکاران (۱۳۹۲)، زیاری و همکاران (۱۳۹۲)، مستوفی‌الممالکی و همکاران (۱۳۹۲)، رفیعیان و شالی (۱۳۹۱)، کریمیان بستاوی و مولایی هاشجین (۱۳۹۱)، موسوی (۱۳۹۱)، رهنما و ذبیحی (۱۳۹۰)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰ الف)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰ ب)، حکمت‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، کریمیان بستانی و اقبالی (۱۳۹۰)، ذاکریان و همکاران (۱۳۸۹)، ضرابی و موسوی (۱۳۸۹)، وارثی و همکاران (۱۳۸۶). دسته‌ای دیگر از راهکارها نیز علل بی‌عدالتی‌های موجود در شهرها را در لایه‌های زیرین برنامه‌ریزی و قدرت جستجو کرده‌اند. از این‌رو، راهکارهایی ساختاری در ارتباط با بی‌عدالتی موجود در شهرها را مدنظر خود قرار داده‌اند: داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۴ ب)، کرکه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، مستوفی‌الممالکی و همکاران (۱۳۹۲)، خیرالدین (۱۳۹۲)، رفیعیان و شالی (۱۳۹۱)، کریمیان بستاوی و مولایی هاشجین (۱۳۹۱)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰ الف)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰ ب)، کریمیان بستانی و اقبالی (۱۳۹۰)، ذاکریان و همکاران (۱۳۸۹)، طیبیان و همکاران (۱۳۸۹)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۸۸)، جوان و



شکل ۶. جریان‌شناسی یافته‌ها و راهکارهای پژوهشی استخراجی از مقاله‌های مورد بررسی

در این راستا در بخش روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های مقاله نشان داد که پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری توجهی به مبانی فلسفی و رویکردهای پژوهش نداشته‌اند. در این میان، بیش‌ترین نوع پژوهش به پژوهش‌های کمی اختصاص یافته بود و پژوهش‌گران کم‌ترین میزان توجه را به استفاده از پژوهش‌های کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر آن بود که با فراروش مقاله‌های علمی موجود در قلمرو موضوعی عدالت فضایی در مقیاس شهری، تصویری نسبتاً دقیق از چیرستی و چگونگی ساختار روش‌شناسی و دست‌آوردهای پژوهشی مطالعات انجام‌یافته در ایران به دست دهد و چشم‌انداز آتی آن را تصویر نماید.

توجه به شعاع خدمات‌رسانی، تحلیل توزیع فضایی خدمات شهر و تأمین دسترسی ساکنان به خدمات شهری و ایجاد ارتباط بین تراکم جمعیتی و نیاز ساکنان اشاره شده است. البته تعدادی از پژوهش‌ها را می‌توان در ارائه راهکار به‌منظور کاهش بی‌عدالتی فضایی در شهر به کار بست، راهکارهای ساختاری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران چون فاصله گرفتن از سیاست‌های آمرانه و حرکت به سوی سیاست‌های مشارکت‌جویانه، بازنگری در روند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و قدرت دهی به مدیریت محلی، توجه به محتوای برنامه‌ریزی در کنار فرآیند آن و... اشاره داشته‌اند.

اگر توصیف، تفسیر و تبیین سه حلقه کلیدی در یک فرآیند مرتبط باشند، در آن صورت اغلب پژوهش‌های مورد بررسی تا مرز تفسیر پیش‌تر نرفته‌اند. از این رو، ضعف دیگر این پژوهش‌ها، فقدان تبیین‌های عمیق از پرسش‌های پژوهش و نتایج آن‌ها است. در اکثر موارد پژوهشگر در تبیین نتایج بازگشتی به چارچوب نظری و تحلیلی است؛ پس از دل نتایج هیچ مدل نظری بیرون نمی‌آید و زمانی که نتایج پژوهش نتوانند بستر مناسب نظری را موجب گردند، سخن گفتن از دانش بومی ممکن نخواهد بود. به‌طور کلی با تأمل در نتایج کسب‌شده، می‌توان به این نکته وقوف یافت که مطالعات عدالت فضایی در ایران بیش‌تر به دنبال چیستی پدیده عدالت فضایی بوده و توجه کافی به چرایی و چگونگی شکل‌گیری نابرابری در فضاهای شهری مبذول نداشته‌اند. حال آن‌که از نظر بسیاری از متخصصان این حوزه، یکی از مهم‌ترین کارکردهای رویکرد عدالت فضایی کشف عوامل و دلایل شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی و تلاش جهت رفع آن‌ها می‌باشد.

راهکارها

با توجه به اهمیت انجام پژوهش‌های علمی در حوزه عدالت فضایی، جهت تسهیل در پژوهش و افزایش دانش موجود در این زمینه و ارتقاء پژوهش‌های عدالت فضایی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ✓ ساماندهی پژوهش‌های در حوزه عدالت اجتماعی و اصلاح ساختارهای علمی آن‌ها با در نظر گرفتن چارچوب‌های نظری؛
- ✓ توجه اساسی به مبانی فلسفی و رویکردهای پژوهشی در تعیین روش و راهبرد پژوهش، به‌منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد به پژوهش انجام شده؛
- ✓ تدوین دقیق و اصولی اهداف، پرسش‌ها یا فرضیه‌های پژوهش

عدالت فضایی داشتند. یکی از علت‌های این امر، سیاست‌های فصل‌نامه‌های مخاطب در پذیرش مقاله‌های کمی محور است. حال آن‌که پژوهش‌های کیفی و ترکیبی امروزه در دنیای علمی توجه بسیاری را به خود جلب نموده و در حوزه‌ای با خصوصیات حوزه عدالت فضایی انجام پژوهش‌های کیفی یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهش‌گران محسوب می‌شود تا از این طریق به توسعه مفاهیم، معیارها و شاخص‌های مؤثر در عدالت فضایی دست یابند.

از نکات مطرح دیگر در این پژوهش‌ها، بیش‌تر به پژوهش‌های کاربردی و کیفیت پایین پژوهش‌های بنیادی، توجه شده است. در همین راستا، بیش از ۷۰ درصد پژوهش‌ها با اهداف توصیفی مبتنی بر آمار کمی شکل یافته‌اند و راهبرد پژوهش اتخاذی در پیشبرد پژوهش، راهبرد پیمایشی است. از این‌ور است که در بخش روش‌های جمع‌آوری، تقلیل و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های کمی چون شاخص‌سازی و تحلیلی توصیفی آماری و همبستگی بهره گرفته شده است. اجزای روش‌شناسی مقاله‌های مورد بررسی در نمودار بالا (شکل ۶) نمایش داده شده است. این نتایج گویای این امر است که توجه پژوهش‌گران حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری بیش‌تر معطوف به کاربرد عدالت فضایی در قالب مدل‌های شاخص‌ساز جهت پیمایش وضع موجود شهرها از منظر عدالت و بی‌عدالتی است. این پژوهش‌ها بیش‌تر از منظر عدالت توزیعی به پیمایش و سنجش در مقیاس‌های متفاوت شهری پرداخته‌اند و از نگاه ساختاری به عدالت، چشم پوشیده‌اند. تعداد اندک مقاله‌های انجام‌یافته باروش‌های کیفی و عدم توجه به منطق‌های استدلالی همچون استقهامی و پس‌کاوی ناشی از محدودیت این گرایش از عدالت فضایی در مطالعات انجام‌یافته است. به نظر می‌رسد که توجه بیش‌تر به پژوهش‌های کیفی و ترکیبی و اهدافی چون اکتشاف، فهم، پیش‌بینی، تغییر، ارزش‌یابی و برآورد تأثیر، می‌تواند خلأ موجود در پژوهش‌های کنونی در ارتباط با تعمیق پژوهش‌ها و مبانی نظری مرتبط با زمینه پژوهش را مرتفع سازد. موضوع دیگری که در بخش روش‌شناسی مهم است، عدم تمیز دادن راهبرد پژوهش از روش‌های گردآوری، تقلیل و تحلیل داده‌ها و همچنین ابهام بسیار پررنگ بین فنون تحلیل داده‌ها و روش‌های تحلیل و حتی یکسان فرض کردن این دو است. این امر خود دلیل بنیادی در پایین آمدن کیفیت پژوهش‌ها و اخذ نتایج بدیهی از انجام پژوهش محسوب می‌شود.

از منظر *دستاوردهای پژوهش* نیز، اشاره به نا عدالتی موجود در نمونه‌های مورد بررسی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش‌ها محسوب می‌شود که برای مقابله با آن به راهکارهایی چون

- متناسب با رویکرد انتخابی پژوهش‌گر؛
- ✓ به‌منظور توجه کافی به چرایی و چگونگی شکل‌گیری نابرابری در فضاهای شهری؛
- ✓ تلاش برای انجام مطالعاتی با اهداف «فهم، تغییر، پیش‌بینی و ارزش‌یابی» در حوزه عدالت فضایی؛
- ✓ تأکید بیش‌تر بر نوآوری و توجه بیش‌تر به استفاده از روش‌های پژوهش جدیدتر و کامل‌تر کیفی و ترکیبی؛
- ✓ توجه بیش‌تر به منطق چیدمان اجزاء و عناصر بخش تحلیل پژوهش به‌گونه‌ای که هریک از این عناصر، هموارکننده مسیر برای عنصر بعدی پژوهش باشد تا دستیابی به نتیجه‌ای متقن با رعایت این همسازی‌ها و همخوانی‌ها فراهم شود؛
- ✓ دقت اساسی در نحوه‌ی انتخاب فنون جمع‌آوری، تقلیل و تحلیل اطلاعات و تناسب هریک از این فنون و ابزارها با راهبرد و روش حاکم بر پژوهش؛
- تقدیر و تشکر**
- این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم نینا الوندی پور در حوزه عدالت فضایی، می‌باشد که به راهنمایی دکتر هاشم داداش‌پور در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران، در حال انجام است.
- این مقاله با برخورداری از حمایت مالی «صندوق حمایت از پژوهش‌گران و فناوری‌ان کشور (بنیاد علم ایران)» به شماره گرنت پژوهشی ۹۶۰۰۱۴۶۸ انجام شده است. از این‌رو نویسندگان تقدیر و سپاس خود را از مسئولان صندوق مزبور اعلام می‌دارند.
- نویسندگان مقاله بر خود فرض می‌دانند از نکته‌سنجی و ظریف‌بینی سردبیر و داوران محترم ناشناخته، که به بهبود و ارتقاء مقاله کمک کردند، مراتب سپاس خود را اعلام نمایند.
- منابع**
- ازکیا، مصطفی، و توکلی، محمود (۱۳۸۵). *فراتحلیل مطالعات رضایت‌شغلی در سازمان‌های آموزشی*، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷: ۱-۲۶.
 - امین‌زاده، بهناز، روشن، مینا (۱۳۹۳). *ارزیابی روش‌های سنجش عدالت فضایی در توزیع کاربری اراضی شهری*، فصل‌نامه آرمان‌شهر، دوره ۷، (۱۳): ۲۴۳-۲۵۸.
 - ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - بلیکی، نورمن (۱۳۹۳). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. (مترجم: چاوشیان، ح.) تهران: نشر نی.
 - پوراحمد، احمد، حاتمی‌نژاد، حسین، زیاری، کرامت‌ا...، فرجی، حسنعلی، وفایی، ابودر (۱۳۹۳). *بررسی وارزیابی کاربری اراضی شهری از منظر عدالت اجتماعی*، فصل‌نامه آمایش سرزمین، دوره ۶ (۲): ۱۷۹-۲۰۸.
 - پورمحمدی، محمدرضا، حکمت‌نیا، حسن، صفرلویی، محمدعلی (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه*، فصل‌نامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، (۵): ۱: ۵۷-۷۰.
 - تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). *تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی*، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴: ۱۰۶-۱۳۸.
 - توکل‌نیا، جمیله، مسلمی، آرمان، فیروزی، ابراهیم. و بدانی، سارا (۱۳۹۴). *تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات شهری بر پایه عدالت فضایی*، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، (۳): ۲۸۵-۳۰۸.
 - جوان، جعفر، عبداللهی، عبدا... (۱۳۸۷). *عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری*، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، (۲): ۱۳۱-۱۵۶.
 - حاتمی‌نژاد، حسین، واحدیان بیکی، لیلا، پرنون، زیبا (۱۳۹۳). *سنجش الگوی توزیع فضایی خدمات شهری در منطقه ۵ شهر تهران به کمک مدل آنتروپی و ویلیامسون*، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۹، (۳): ۱۷-۲۸.
 - حکمت‌نیا، حسن، گیوه‌چی، سعید، حیدری نوشهر، نیر، حیدری نوشهر، مهری (۱۳۹۰). *تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش استانداردسازی داده‌ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی*، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷: ۱۶۵-۱۷۹.
 - حیدری چپانه، رحیم، علیزاده زنوزی، شاهین، عیوضلو، داوود (۱۳۹۳). *تحلیلی بر توزیع جمعیت و دسترسی به خدمات شهری در شهر مرند مبتنی رویکردی عدالت‌محور*، فصل‌نامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، (۷): ۱۱-۲۷.
 - خیرالدین، رضا (۱۳۹۲). *پویایی در ترجمان فضایی کالبدی مفهوم اسلامی عدالت با تحلیل کارتوگرافیک تعادل فضایی در نواحی ۱۱۲ گانه کلان‌شهر تهران*. فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱، ۴۳-۵۸.

۱۴. داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی مفهومی عدالت در نظر یه‌های برنامه‌ریزی شهری در چهارچوب رویکردی میان رشته‌ای. فصل‌نامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، (۲): ۱-۲۸.
۱۵. داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا (۱۳۹۵)، عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران. هنرهای زیبا، دوره ۲۱، (۳): ۶۷-۸۰.
۱۶. داداش پور، هاشم، علیزاده، بهرام، رستمی، فرامرز (۱۳۹۴) الف)، گفتمان عدالت فضایی در شهر. تهران: آذرخش.
۱۷. داداش پور، هاشم، علیزاده، بهرام، رستمی، فرامرز (۱۳۹۴) ب)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصل‌نامه نقش جهان، شماره ۱: ۷۵-۸۴.
۱۸. داداش پور، هاشم، رستمی، فرامرز، علیزاده، بهرام (۱۳۹۴) ج)، بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آن‌ها در شهر همدان، فصل‌نامه مطالعات شهری کردستان، شماره ۱۲: ۵-۱۸.
۱۹. داداش پور، هاشم، رستمی، فرامرز (۱۳۹۰ الف)، بررسی و تحلیل نحوه‌ی توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۶: ۱۷۱-۱۹۸.
۲۰. داداش پور، هاشم، رستمی، فرامرز (۱۳۹۰ ب)، سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج، فصل‌نامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۳، (۱۰): ۱-۲۲.
۲۱. دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل (۱۳۸۹) الف)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار- اشراقی.
۲۲. دیکسی، مصطفی (۱۳۹۲)، در جستجوی شهر عدالت‌محور؛ بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری (ویراستاران: مارکوس، پیتر، کنولی، جیمز، نووی، جوهانس، اولیوو، اینگیرید، پاتر، سوز، استیل، جاستین. مترجم: سعیدی رضوانی، هادی، کشمیری، محبوبه). تهران: نشر شهر.
۲۳. ذاکریان، ملیحه، موسوی، میرنجف، باقری کشکولی، علی (۱۳۸۹)، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، (۲): ۶۱-۸۴.
۲۴. رضوانی، روح ا... (۱۳۸۹)، تحلیل محتوا، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۳: ۱۳۷-۱۵۶.
۲۵. رفیعیان، مجتبی، و الوندی پور، نینا (۱۳۹۴)، مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، (۲): ۲۵-۴۷.
۲۶. رفیعیان، مجتبی، شالی، محمد (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، (۴): ۲۵-۴۹.
۲۷. رهنما، محمدرحیم، ذبیحی، جواد (۱۳۹۰)، تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۳: ۵-۲۶.
۲۸. روستایی، شهریور، ترکمن‌نیا، نعیمه، حسینی، معصومه (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی عدالت فضایی در شاخص‌های ایمنی پارک‌های شهری، فصل‌نامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۶، (۲۲): ۱۰۹-۱۲۶.
۲۹. زیاری، کرامت ا...، مهدیان بهنمیری، معصومه، مهدی، علی (۱۳۹۲)، بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر، فصل‌نامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، (۲۸): ۲۱۷-۲۴۱.
۳۰. سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۴)، گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی، فصل‌نامه شهر پایدار، دوره ۱، (۱): ۱۳۵-۱۶۳.
۳۱. سعیدی رضوانی، هادی، نوریان، فرشاد (۱۳۹۳)، «شهرسازی عدالت‌محور»: رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری. فصل‌نامه مطالعات شهری کردستان، شماره ۱۲، ۴۷-۵۸.
۳۲. سعیدی رضوانی، هادی، نوریان، فرشاد (۱۳۸۸)، بازخوانی عدالت در اجراءای طرح‌های شهری کشور نمونه میدان شهدا در مشهد، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸: ۸۵-۱۰۲.
۳۳. سهرابی، بابک، اعظمی، امیر، یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۶: ۹-۲۴.
۳۴. شکوهی، محمدصالح (۱۳۹۳)، تحولات مفهوم عدالت در جامعه هند و نمود فضایی آن، فصل‌نامه هنر و تمدن شرق، دوره ۲، (۶): ۳۰-۴۱.

۳۵. ضرابی، اصغر، موسوی، میرنجف (۱۳۸۹)، *تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد*، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۷: ۲۷-۴۶.
- ۳۶-۳۶. طیبیان، منوچهر، شکوهی بیدهندی، محمدصالح، ارباب، پارسا (۱۳۸۹)، *ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت*، فصل‌نامه آرمان‌شهر، شماره ۵: ۱۱۱-۱۲۲.
- ۳۷-۳۷. عزیزی، محمدمهدی، شکوهی بیدهندی، محمدصالح (۱۳۹۴)، *تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران*، فصل‌نامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۵، (۲): ۱۲۵-۱۴۹.
- ۳۸-۳۸. قاضی طباطبایی، محمود، و دادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹). *فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری*. تهران: جامعه‌شناسان.
- ۳۹-۳۹. کریمیان بستانی، مریم، اقبالی، ناصر (۱۳۹۰)، *بررسی روند توزیع مراکز آموزشی در شهر زاهدان با تأکید بر عدالت اجتماعی*، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۳، (۲): ۱۸۱-۱۹۲.
- ۴۰-۴۰. کریمیان بستاوی، مریم، مولایی هشجین، نصرا... (۱۳۹۱)، *ارزیابی عدالت فضایی مراکز آموزشی در شهر زاهدان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS*، فصل‌نامه فضای جغرافیایی، دوره ۱۲، (۴۰): ۱۷۰-۱۸۹.
- ۴۱-۴۱. مارکوس، پیتر (۱۳۹۲). *در جستجوی شهر عدالت محور؛ بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری (ویراستاران: مارکوس، پیتر، کنولی، جیمز، نووی، جوهانس، اولیوو، اینگرید، پاتر، سوز، استیل، جاستین. مترجم: سعیدی رضوانی، هادی، کشمیری، محبوبه)*. تهران: نشر شهر.
- ۴۲-۴۲. محمدپور، احمد (۱۳۸۹ الف). *فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۴۳-۴۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش*. تهران: جامعه‌شناسان.
- ۴۴-۴۴. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳)، *توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران*، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۴: ۱۹-۳۱.
- ۴۵-۴۵. مستوفی‌الممالکی، رضا، بسطامی نیا، امیر، تازش، یوسف (۱۳۹۲)، *بررسی و تحلیل توسعه تسهیلات شهری از دیدگاه عدالت فضایی*. فصل‌نامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۲، (۶): ۷-۱۶.
- ۴۶-۴۶. موحد، علی، تولایی، سمین. *کمانرودی کجوری، موسی، تابعی، نادر (۱۳۹۳)*، *تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات در سطح محلات منطقه شش تهران*، فصل‌نامه آمایش سرزمین، دوره ۶، (۱): ۵۹-۸۲.
- ۴۷-۴۷. موسوی، میرنجف (۱۳۹۱)، *شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی*، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰: ۱۷۷-۱۹۲.
- ۴۸-۴۸. نظم فر، حسین، عشقی چهاربرج، علی، قاسمی، مهدی (۱۳۹۳)، *تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی درون شهری*. فصل‌نامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۳، (۱۱): ۹۱-۱۱۲.
- ۴۹-۴۹. وارثی، حمیدرضا، قائد رحمتی، صفر، باستانی فر، ایمان (۱۳۸۶)، *بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت*، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، دوره ۵، (۹): ۹۱-۱۰۶.
- ۵۰-۵۰. وفاپیان، امیر، منصوریان، یزدان (۱۳۹۳)، *چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟*. کتاب ماه، فناوری اطلاعات و ارتباطات: مفاهیم و کاربردها، شماره ۱۹۷: ۸۵-۹۰.
51. Bromberg, Ava., Morrow, Gregory D., Pfeiffer, Deirdre (2007), *Editorial Note: Why Spatial Justice? Critical Planning*: 1-4.
52. Dadashpoor, Hashem, Rostami, Faramarz (2017), *Measuring spatial proportionality between service availability, accessibility and mobility: Empirical evidence using spatial equity approach in Iran*. *Journal of Transport Geography*, 10. 1016/ j. jtrangeo, 201:10.002.
53. De Jeude, Marije van Lidth, Schütte, Oliver, Quesada, Florencia (2016), *The vicious circle of social segregation and spatial fragmentation in Costa Rica's greater metropolitan area*. *Habitat International*, 54: 65-73.
54. Dufaux, Frederic., Gervais- Lambony, Philippe., Lehman-Frisch, Sonia., Moreau, Sophie (2009), *Birth Announcement. Spatial Justice*, 1 (1), 1-2.
55. Fainstein, Susan (2014), *The just city*. *International Journal of Urban Sciences*, 18: 1-18.
56. Harvey, David (1992), *Social justice, Postmodernism and the City*. *International Journal of Urban and Regional Research*, 16(4): 588-601.

64. Uitermark, Justus, Nicholls, Walter (2017), *Planning for social justice: Strategies, dilemmas, tradeoffs*. *Planning Theory*, 16 (1): 32-50.
65. Williams, Miriam (2016), *Care-full Justice in the City*. *Antipode*, 00(0): 1-19.
66. Young, Iris Marion (1990), *Justice and the Politics of Difference*. Princeton: Princeton University Press.
67. Zapata, Marisa A., Bates, Lisa K. (2015), *Equity Planning Revisited*. *Journal of Planning Education and Research*, 35 (3): 245-248.
68. Zapata, Marisa A., Bates, Lisa K. (2016), "Equity Planning or Equitable Opportunities? The Construction of *Equity in the HUD Sustainable Communities Regional Planning Grants*." *Journal of Planning Education and Research*: 1-14.
69. Zhao, Shanyang (1991), *Meta-theory, meta - method, meta - data analysis: what, why, and how?* *Sociological Perspectives*, 34: 377-390.
57. Heckerta, Megan, Rosan, Christina D. (2016), *Developing a green infrastructure equity index to promote equity planning*. *Urban Forestry & Urban Greening*, 19: 263-270.
58. Hirt, Sonia A (2016), *The City Sustainable: Three Thoughts on "Green Cities, Growing Cities, Just Cities"*. *Journal of the American Planning Association*, 82 (4): 383-384.
59. Low, Setha, Iveson, Kurt (2016), *Propositions for more just urban public spaces*. *CITY*, 20 (1): 10-31.
60. Malý, Jiří (2016), *Questioning territorial cohesion: (Un)equal access to services of general interest*. *Regional Science*, 2 (4): 1-21.
61. Manuel, Jennifer (2016). *Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action*. CHI'2016. San Jose, CA, USA.
62. Rawls, John (1971), *A Theory of Justice*. Cambridge: Harvard University Press.
63. Saunders, Mark., Lewis, Philip., Thornhill, Adrian (2009), *Research methods for business students*. Harlow: Pearson Education.